

رابطه دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی با طلاق عاطفی

Prediction of Violence Dimensions upon Coping Strategies in Women of Domestic Violence Victim

Khodamorad Momeni

Sedighe Azadifard

خدامراد مومنی *

صدیقه آزادی فرد **

Abstract

In recent years, the number of divorces in Iran has increased dramatically. However, hidden from sight are the relationships which despite the presence of necessary factors for divorce, are still sustainable and in fact, suffer from emotional divorce. Therefore the purpose of this research is to study the relationship between sexual knowledge and attitude and also relationship beliefs and emotional divorce. In this descriptive correlational study, a sample of 230 female married nurses was selected from the hospitals of Khorramabad city, through simple random sampling. The instruments employed in this study included Sexual Knowledge and Attitude Scale (SKAS), Relationship Belief Inventory (RBI) and Emotional Divorce Scale (EDS). Based on the results of Pearson Correlation Coefficient and Multiple Regression Analysis, a significant negative relationship was found between the sexual knowledge and attitude and also relationship beliefs and the degree of emotional divorce. The belief in destructiveness of disagreement, sexual attitude, mind reading expectation, belief in unchangeability of spouse, and sexual perfectionism, respectively, could best predict emotional divorce. Family counselors and couples therapists could gain a better knowledge of the phenomenon of emotional divorce by studying the aforementioned variables and hence implement necessary interventions.

Keywords: *emotional divorce, sexual knowledge and attitude, relational beliefs, nurses*

چکیده

خانواده در سال های اخیر آمار طلاق در ایران به شدت رو به افزایش بوده است. اما آنچه از نظر پنهان مانده روابطی است که علی-رغم وجود فاکتورهای لازم برای طلاق، همچنان پابرجا هستند و در واقع دچار طلاق عاطفی شده اند. بنابراین هدف این پژوهش بررسی رابطه دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی با طلاق عاطفی است. روش پژوهش در این مطالعه، توصیفی از نوع همبستگی بود. نمونه این مطالعه شامل ۲۳۰ نفر از پرستاران زن متأهل شهر خرم آباد بود که از میان تمامی پرستاران زن این شهر با استفاده از نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده بودند. شرکت کنندگان پرسشنامه های دانش و نگرش جنسی، باورهای ارتباطی و طلاق عاطفی را تکمیل کردند. نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که بین دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی با میزان طلاق عاطفی زنان رابطه منفی معناداری برقرار است و باور به مخرب بودن مخالفت، نگرش جنسی، توقع ذهن خوانی، باور به عدم تغییرپذیری همسر و کمال گرایی جنسی بیشترین نقش را در پیش بینی طلاق عاطفی داشتند. مشاوران خانواده و زوج درمانگران می توانند با بررسی متغیرهای مذکور شناخت بهتری از پدیده ی طلاق عاطفی داشته باشند و مداخلات لازم را اجرا نمایند.

واژگان کلیدی: *طلاق عاطفی، دانش و نگرش جنسی، باورهای ارتباطی، پرستاران*

* . دانشیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی کرمانشاه

azadifard1367@yahoo.com

** . کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی کرمانشاه

مقدمه

خانواده به لحاظ قدمت، ابتدایی‌ترین و از لحاظ گستردگی، جهان‌شمول‌ترین نهاد اجتماعی است (خدایاری‌فرد، شهبایی و اکبری زردخانه، ۱۳۸۶). هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده‌های سالم نمی‌تواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی بی‌تأثیر از خانواده پدید نیامده‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۵). ازدواج، مبنای شکل‌گیری خانواده و قطب مقابل آن طلاق است که سبب اضمحلال آن می‌شود. طلاق فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی دارد (موسایی^۱، ۲۰۱۱). طلاق هم می‌تواند صورت آشکار و رسمی به خود گیرد که طی آن خانواده فرو می‌پاشد و هم می‌تواند صورت پنهان به خود گیرد که در نتیجه آن خانواده صرفاً ساختار بیرونی خود را حفظ می‌کند، ولی از درون تهی می‌شود که به این حالت طلاق عاطفی گفته می‌شود (پروین، داوودی و محمدی، ۱۳۹۱). همزمان با رشد فزاینده‌ی آمار طلاق، برخی از خانواده‌ها، با کاهش فضای عاطفی خانواده و سرد شدن ارتباطات انسانی در محیط خانواده رو به رو هستند که این پدیده می‌تواند به طلاق عاطفی منجر شود. از آنجا که طلاق عاطفی در جایی به صورت رسمی ثبت نمی‌شود، نمی‌توان آمار دقیقی در رابطه با آن گزارش داد و همین امر، پژوهش پیرامون آن را حساس و دشوار می‌سازد. اگرچه این نوع طلاق در جایی ثبت نشده و نمود عینی ندارد اما مهم‌ترین نوع طلاقی است که زوجین و فرزندان زیادی از آن رنج می‌برند (یزدانی، حقیقتیان و کشاورز، ۱۳۹۲).

طلاق عاطفی مهم‌ترین تهدید علیه بنیان خانواده است و شناخت عوامل مؤثر و متأثر از آن جزء اولویت‌ها به شمار می‌رود. متغیرهای زیادی می‌توانند در ایجاد طلاق عاطفی نقش داشته باشند که در این میان می‌توان به فاکتورهای جسمانی و شناختی مهمی همچون ارتباط جنسی و باورهای ارتباطی اشاره کرد. یکی از مهم‌ترین عوامل خوشبختی در زندگی زناشویی و کیفیت زندگی خوب، روابط لذت بخش جنسی است، زیرا رضایت بخش نبودن روابط جنسی سبب ایجاد احساس محرومیت، ناکامی و عدم ایمنی در همسران می‌شود (کمبل^۲، اسکینر^۳ و هایمن^۴، ۲۰۰۰). این محرومیت جنسی می‌تواند در نهایت موجب طلاق و از هم گسستگی زندگی زناشویی گردد (آقامحمدیان، رضاقلی‌زاده، عوضی و پشتیبان، ۱۳۸۲). با شناخت چگونگی عملکرد جنسی و مؤلفه‌های آن می‌توان به رضایت جنسی و در نهایت به رضایت زناشویی که در سازگاری همسران تأثیر به‌سزایی دارد رسید (علی-اکبری دهکردی، ۱۳۸۸). مجموعه‌ی معلومات، اطلاعات، دانش و آگاهی فرد در مورد جنسیت و مسائل جنسی از جمله جنبه‌های فیزیولوژیکی، تولید مثل، عملکرد و رفتار جنسی فردی و بین‌فردی، دانش جنسی گفته می‌شود (یوسفی، ۱۳۸۴). به باورهایی که در مورد فعالیت‌ها و نقش‌های جنسی وجود دارد نگرش جنسی گفته می‌شود (کورسینی، ۲۰۰۲). نگرش جنسی شامل سبک تفکر مثبت یا منفی در تعبیر و تفسیر رویدادها و ارتباطات جنسی است که نقش بسیار مهمی در محتوای رابطه‌ی جنسی دارد (نادری، حیدری، حسین‌زاده مالکی، ۱۳۸۸).

^۱Mousaie

^۲emotional divorce

^۳Camble

^۴Skinner

^۵Heiman

بر اساس تعریف آیدلسون^۱ و اپستین^۲ (۱۹۸۲) منظور از باورهای ارتباطی، عقیده یا ذهنیتی است که زن و شوهر نسبت به ارتباط زناشویی خود دارند و آن را به عنوان واقعیت پذیرفته‌اند و منظور از باورهای ارتباطی ناکارآمد آن دسته از باورها و تفکرات غیرمنطقی می‌باشند که مختص رابطه‌ی زناشویی است و در اثر استفاده‌ی افراطی ایجاد مشکل نموده است که شامل پنج باور بدین شرح است: باور به تخریب‌کنندگی مخالفت^۳، باور به عدم تغییر پذیری همسر^۴، باور توقع ذهن خوانی^۵، کمال‌گرایی جنسی^۶ و باور به تفاوت‌های جنسیتی^۷.

پژوهش‌های متعددی حاکی از اهمیت بسیار زیاد دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی در رابطه‌ی زناشویی و فرایند از هم گسیختن عاطفی این رابطه بوده‌اند. تا آنجا که نادری و همکاران (۱۳۸۸) پی بردند که بین دانش و نگرش جنسی با همسرآزاری در مردان و زنان، رابطه‌ی منفی معنی‌داری وجود دارد. شهرستانی، دوستکام، رهباردار و مشهدی (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که هر قدر باورهای ارتباطی ناکارآمد مختص رابطه‌ی زناشویی بیشتر باشد، رضایت‌مندی در رابطه‌ی زناشویی کمتر خواهد بود. همچنین یافته‌های پژوهش شهرستانی و همکاران نشان داد که زوج‌های متقاضی طلاق در مقایسه با زوج‌های مایل به ادامه‌ی زندگی مشترک باورهای ارتباطی ناکارآمد بیشتری داشتند.

از آنجا که جامعه‌ی ایران، جامعه‌ای در حال گذار است و آیین سنتی هنوز در این جامعه پابرجاست، در کنار آمار طلاق بسیار بالایی که وجود دارد می‌توان حدس زد که بسیاری از زوجها به دلیل سنتی بودن خانواده‌هایشان ترجیح می‌دهند در یک زندگی بسیار بی‌کیفیت ادامه دهند تا زیر بار فشار روانی حاصل از طلاق نروند. در چنین شرایطی پدیده‌ی طلاق عاطفی و زندگی مستقل‌عاری از عواطف و تنها «زیر یک سقف» به وفور به چشم می‌خورد. بنابراین از آنجا که پژوهش‌های محدودی به بررسی طلاق عاطفی اختصاص داده شده‌اند، پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی توان پیش‌بینی طلاق عاطفی را دارند؟

روش

روش تحقیق در این مطالعه، توصیفی از نوع همبستگی بوده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل همه پرستاران زن متأهل شاغل در بیمارستان‌های شهر خرم‌آباد بود که طبق آمار اخذ شده از معاونت آموزشی و پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان تعداد آنها ۶۰۰ نفر بود. نمونه مورد مطالعه با توجه به فرمول کوکران ۲۳۴ نفر برآورد شد که برای حذف اثر پرسشنامه‌های بی‌اعتبار تعداد ۲۴۰ نفر در نظر گرفته شد و با استفاده از روش تصادفی ساده انتخاب شدند. ملاک‌های ورود افراد به پژوهش حاضر عبارت از رضایت کامل برای همکاری در پژوهش و تکمیل پرسشنامه، عدم وجود سابقه‌ی طلاق در یک سال گذشته، گذشت حداقل یک سال از زندگی

^۱Eidelson

^۲Epstien

^۳destructiveness of disagreement

^۴unchangeability of spouse

^۵mind reading expectation

^۶sexual perfectionism

^۷gender differences

زناشویی، عدم وجود اختلال روانی (از طریق مصاحبه)، عدم تجربه‌ی سوگ (مرگ بستگان درجه‌ی یک)، بارداری یا زایمان در یک سال اخیر بودند. در صورت وجود هر یک از موارد فوق، افراد از لیست مطالعه خارج می‌شدند.

ابزار

شرکت‌کنندگان علاوه بر فرم مشخصات جمعیت‌شناختی که حاوی پرسش‌هایی جهت بررسی سن، تحصیلات، تعداد فرزندان و مدت ازدواج بود، پرسشنامه‌های دانش و نگرش جنسی^۱، باورهای ارتباطی^۲ و طلاق عاطفی^۳ را نیز تکمیل کردند.

پرسشنامه‌ی دانش و نگرش جنسی: این مقیاس ۳۰ گویه‌ای که توسط بشارت (۱۳۸۴) ساخته شده است، دو متغیر دانش و نگرش جنسی را در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت در دامنه‌ای بین ۱ تا ۵ می‌سنجد. هر کدام از دو خرده مقیاس شامل ۱۵ سؤال است که کمترین و بیشترین نمره‌ی آزمودنی در هر یک از خرده مقیاس‌ها بین ۱۵ تا ۷۵ خواهد بود. نمره‌ی بالاتر در خرده مقیاس دانش جنسی به معنای بالا بودن دانش جنسی فرد و نمره‌ی بالاتر در خرده مقیاس نگرش جنسی به معنای نگرش مثبت‌تر نسبت به رابطه‌ی جنسی است. نسخه‌ی ۳۰ گویه‌ای مقیاس دانش و نگرش جنسی پس از طی مراحل اولیه‌ی تهیه و بررسی و تأیید روایی محتوایی بر اساس داوری هشت نفر از متخصصان روان‌شناسی در نمونه‌ای متشکل از شصت و سه دانشجوی متأهل از دانشگاه‌های تهران و علم و صنعت ایران (۳۷ زن و ۲۶ مرد) اجرا شد. ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های دانش و نگرش جنسی برای نمره‌ی آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۸۸ محاسبه شد که نشانه‌ی همسانی درونی خوب مقیاس بود. ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۴۲ نفر از آزمودنی‌ها در دونوبت با فاصله دو تا چهار هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی محاسبه شد. این ضرایب برای دانش و نگرش جنسی به ترتیب ۰/۸۹ و ۰/۸۷ و برای نمره‌ی کل مقیاس ۰/۸۸ در سطح یک درصد معنادار بودند و پایایی بازآزمایی مقیاس را تأیید کردند (بشارت، ۱۳۸۴). در این مطالعه، پایایی به دست آمده بر اساس ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های دانش جنسی و نگرش جنسی به ترتیب عبارت از ۰/۸۷ و ۰/۹۱ بود.

پرسشنامه‌ی باورهای ارتباطی: پرسشنامه‌ی باورهای ارتباطی به منظور اندازه‌گیری باورهای غیرمنطقی زناشویی توسط آیدلسون و اپستین (۱۹۸۲) ساخته شده و توسط مظاهری و پوراعتقاد (۱۳۸۰) با روش ترجمه و ترجمه‌ی معکوس به فارسی برگردانده و مورد استفاده قرار گرفته است. این سیاهه دارای ۴۰ سؤال است که هر سؤال در طیف لیکرت به صورت ۶ گزینه‌ای از صفر (کاملاً غلط) تا ۵ (کاملاً درست) پاسخ داده می‌شود. پنج خرده مقیاس این پرسشنامه عبارت از باور به مخرب بودن مخالفت، باور به عدم تغییرپذیری همسر، توقع ذهن‌خوانی، کمال‌گرایی جنسیو باور در مورد تفاوت‌های جنسیتی هستند. نمره‌ی بالاتر نشان دهنده‌ی داشتن باورهای ارتباطی غیرمنطقی‌تر است. ایمل کامپ، بریلمن و کوپر^۴ (۱۹۸۶) در تحقیق خود پایایی درونی سیاهه‌ی باورهای ارتباطی را

^۱sexual knowledge and attitude scale (SKAS)

^۲relationship beliefs inventory (RBI)

^۳emotional divorce scale (EDS)

^۴Emmelkamp, Brilman & Kuiper

در دامنه‌ی ۷۴ تا ۸۳ نشان دادند. آیدلسون و اپستین (۱۹۸۲) در تحقیق خود نشان دادند که پایایی سیاهه‌ی باورهای ارتباطی با آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌ها دامنه‌ای از ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ دارد (بوشمن^۱، ۱۹۹۸). در این مطالعه، پایایی به دست آمده بر اساس ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های باور به تخریب‌کنندگی مخالفت، باور به عدم تغییرپذیری همسر، توقع ذهن‌خوانی، کمال‌گرایی جنسی و باور در مورد تفاوت‌های جنسیتی به ترتیب عبارت از ۰/۶۷، ۰/۶۳، ۰/۵۳، ۰/۴۲ و ۰/۴۴ بود.

پرسشنامه‌ی طلاق عاطفی: پرسشنامه‌ی طلاق عاطفیکه توسط جان گاتمن^۲ (۱۹۹۴) ساخته شده در کتاب موفقیت و شکست در ازدواج ارائه شده و در ایران توسط جزایری (۱۳۸۷) مورد ترجمه قرار گرفته است. مقیاس طلاق عاطفی یک مقیاس ۲۴ سؤالی است که شرکت‌کنندگان با انتخاب گزینه‌های بله یا خیر به آن پاسخ می‌دهند. گویه‌های این پرسشنامه غالباً احساسات فرد در مورد رابطه‌ی زناشویی و میزان صمیمیت وی با همسر خود را می‌سنجد. در این مقیاس به پاسخ‌های خیر امتیاز صفر داده می‌شود و به پاسخ‌های بله امتیاز یک داده می‌شود و در نهایت هر چه نمره‌ی افراد بالاتر باشد نشانه‌ی میزان بیشتر طلاق عاطفی در رابطه‌ی زناشویی است. نقطه‌ی برش این پرسشنامه عدد ۸ است که اگر نمره فردی بالاتر از آن باشد در معرض خطر طلاق عاطفی قرار دارد و توصیه می‌شود که در صدد کمک حرفه‌ای باشد. در این مطالعه نیز پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ بود.

روش اجرا

پس از کسب مجوز و انجام هماهنگی‌های لازم با مسئولان ذی‌ربط و مراجعه به معاونت آموزشی و پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان، لیست پرستاران زن متأهل در بیمارستان‌های شهر خرم‌آباد مورد بررسی قرار گرفت که جامعه‌ای به حجم ۶۰۰ نفر به دست آمد. سپس با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۲۳۴ نفر انتخاب شدند. با مراجعه به افراد مورد نظر پرسشنامه‌ها را در اختیار ایشان قرار داده و در صورتیکه فاقد شرایط لازم برای شرکت در مطالعه بودند از لیست حذف شده و افراد دیگری جایگزین می‌شدند. در نهایت با خارج کردن پرسشنامه‌های مخدوش این تعداد به ۲۳۰ نفر تقلیل یافت. پس از توزیع و تکمیل پرسشنامه‌ها، نسبت به جمع‌آوری آن‌ها اقدام شد. برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده و با توجه به فرضیه‌های پژوهش علاوه بر استفاده از روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) از روش تحلیل رگرسیون استفاده گردید. تحلیل داده‌ها به کمک نرم افزار آماری SPSS نسخه ی ۱۸ انجام گرفت.

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان شامل زنان ۲۰ تا ۵۰ ساله می‌شدند که ۱۹۳ نفر (۸۳/۹ درصد) از آنها دارای مدرک لیسانس و ۳۷ نفر (۱۶/۱ درصد) دارای مدرک فوق لیسانس بودند. ۱۱۱ نفر از آنها در دوره‌ی پنج سال اول زندگی زناشویی،

^۱Bushman

^۲Gottman

طبق نتایج جدول بالا، تحلیل واریانس از مدل رگرسیون چندگانه در جدول فوق بیانگر آن است که مدل رگرسیون اعمال شده معنی‌دار بوده و مجاز به استفاده از آن می‌باشیم ($p < 0.01$). همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، با توجه به مقدار R^2 ، متغیر مذکور در زنان حدود ۲۰ درصد از میزان واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین مؤلفه‌ی نگرش جنسی برای پیش‌بینی متغیر وابسته بهترین عملکرد را داشته، هر چند متغیر دانش جنسی هم در همبستگی معنادار بود اما اطلاعات جدیدی برای پیش‌بینی و تبیین اضافه نکرده و علیرغم وجود هم‌خطی احتمالی حذف شده است. به منظور بررسی رابطه میان باورهای ارتباطی با میزان طلاق عاطفی در پرستاران زن از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ مشاهده می‌شود.

جدول ۳.

آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه‌ی باورهای ارتباطی و طلاق عاطفی

نمره‌ی کلی	باور به تفاوت‌های جنسی	کمال‌گرایی جنسی	باور به عدم تغییرپذیری همسر	توقع ذهن-خوانی	باور به مخرب بودن مخالفت	
۰/۵۱۶**	-۰/۳۸۰**	-۰/۳۱۲**	-۰/۰۰۷	-۰/۳۳۱**	-۰/۵۰۲**	همبستگی
<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۰/۹۱۹	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	سطح معناداری
۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰	تعداد

** رابطه در سطح ۰/۰۱ معنادار است. * رابطه در سطح ۰/۰۵ معنادار است

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، نمره‌ی کلی باورهای ارتباطی و تمام باورهای ارتباطی زنان با میزان طلاق عاطفی آنها رابطه‌ی منفی دارند و این رابطه برای تمامی باورهای ارتباطی به غیر از باور به عدم تغییرپذیری همسر، معنادار می‌باشد ($p < 0.01$). بدین ترتیب هرچه نمره‌ی افراد در مقیاس باورهای ارتباطی کاهش می‌یابد (که مبنی بر وجود باورهای ارتباطی مخرب بیشتری است)، میزان طلاق عاطفی زنان افزایش می‌یابد. به منظور بررسی نقش باورهای ارتباطی در میزان طلاق عاطفی اقدام به تحلیل رگرسیون چندگانه‌ی گام‌به‌گام شد.

جدول ۴

تحلیل رگرسیون چندگانه رابطه‌ی باورهای ارتباطی با طلاق عاطفی

t	Beta	خطای معیار	B	R2	R	سطح معنی‌داری	آماره F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییر
							۱۲۰۸/۹۶۲	۱	۱۲۰۸/۹۶۲	رگرسیون	
				۰/۲۱۳	۰/۴۶۵	<۰/۰۰۱	۶۲/۹۸۸	۱۹/۱۹۳	۲۲۸	۴۳۷۶/۰۹۹	باقیمانده
									۲۲۹	۵۵۸۵/۰۶۱	مجموع
۱۰/۳۶۴		۱/۲۴۳	۱۲/۸۸۲			<۰/۰۰۱					مقدار ثابت
-۷/۹۳۷	-۰/۴۶۵	۰/۰۵۶	-۰/۴۴۱			<۰/۰۰۱					مخرّب بودن مخالفت
							۷۵۶/۰۲۸	۲	۱۵۱۲/۰۵۶	رگرسیون	
				۰/۲۷۱	۰/۵۲۰	<۰/۰۰۱	۴۲/۱۳۶	۱۷/۹۴۳	۲۲۷	۴۰۷۳/۰۰۵	باقیمانده
									۲۲۹	۵۵۸۵/۰۶۱	مجموع
۱۰/۵۹۰		۱/۶۶۲	۱۷/۶۰۱			<۰/۰۰۱					مقدار ثابت
-۶/۴۶۲	-۰/۳۸۷	۰/۰۵۷	-۰/۳۶۷			<۰/۰۰۱					مخرّب بودن مخالفت
-۴/۱۱۰	-۰/۲۴۶	۰/۰۶۹	-۰/۲۸۲			<۰/۰۰۱					عدم تغییرپذیری همسر
							۷۵۶/۰۲۸	۳	۱۷۳۱/۷۳۳	رگرسیون	
				۰/۳۱۰	۰/۵۵۷	<۰/۰۰۱	۳۳/۸۵۶	۱۷/۹۴۳	۲۲۶	۳۸۵۳/۳۲۸	باقیمانده
									۲۲۹	۵۵۸۵/۰۶۱	مجموع
۱۱/۳۹۳		۱/۷۶۷	۲۰/۱۳۴			<۰/۰۰۱					مقدار ثابت
-۳/۹۱۹	-۰/۲۶۵	۰/۰۶۴	-۰/۲۵۱			<۰/۰۰۱					مخرّب بودن مخالفت
-۴/۶۹۵	-۰/۲۷۷	۰/۰۶۸	-۰/۳۱۷			<۰/۰۰۱					عدم تغییرپذیری همسر
-۲/۵۸۹	-/۲۳۰	۰/۰۶۲	-۰/۲۲۳			<۰/۰۰۱					توقع ذهن‌خوانی
							۴۶۲/۱۵۵	۴	۱۸۴۸/۶۲۰	رگرسیون	
				۰/۳۳۱	۰/۵۷۵	<۰/۰۰۱	۲۷/۸۳۰	۱۶/۶۰۶	۲۲۵	۳۷۳۶/۴۴۱	باقیمانده
									۲۲۹	۵۵۸۵/۰۶۱	مجموع
۷/۷۶۲		۲/۱۵۹	۱۶/۷۵۸			<۰/۰۰۱					مقدار ثابت
-۴/۰۶۲	-۰/۲۷۱	۰/۰۶۳	-۰/۲۵۷			<۰/۰۰۱					مخرّب بودن مخالفت
-۴/۹۵۱	-۰/۲۸۹	۰/۰۶۷	-۰/۳۳۱			<۰/۰۰۱					عدم تغییرپذیری همسر
-۳/۹۳۵	-/۲۵۰	۰/۰۶۲	-۰/۲۴۳			<۰/۰۰۱					توقع ذهن‌خوانی
۲/۶۵۳	۰/۱۴۷	۰/۰۶۸	۰/۱۸۰			<۰/۰۰۱					کمال‌گرایی جنسی

طبق نتایج جدول بالا، تحلیل واریانس از مدل رگرسیون چندگانه در جدول فوق بیانگر آن است که مدل رگرسیون اعمال شده معنی‌دار بوده و مجاز به استفاده از آن می‌باشیم ($p < 0.01$). نتایج رگرسیون گام به گام نشان داد که باور به مخرّب بودن مخالفت، نگرش جنسی، توقع ذهن‌خوانی، باور به عدم تغییرپذیری همسر، کمال‌گرایی جنسی به ترتیب بیشترین نقش را در پیش‌بینی طلاق عاطفی داشتند، هر چند باقی متغیرها نیز در همبستگی

معنادار بودند اما اطلاعات جدیدی برای پیش‌بینی و تبیین اضافه نکرده و علیرغم وجود هم‌خطی احتمالی حذف شده‌اند. همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، با توجه به مقدار R^2 ، متغیرهای مذکور در زنان حدود ۳۳ درصد از میزان واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه بررسی رابطه دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی با طلاق عاطفی در زنان بود و بر اساس نتایج به دست آمده هر دو متغیر پیش‌بین، توان پیش‌بینی متغیر طلاق عاطفی را دارا بودند. یافته‌ی اول این پژوهش مبنی بر اینکه دانش و نگرش جنسی با طلاق عاطفی زنان ارتباط دارد با یافته‌های پژوهش نادری و همکاران (۱۳۸۸) همسو است. آنها معتقدند که شناخت و دانش فرد می‌تواند به ادراک و توانایی برای حل مشکلات بینجامد. آگاهی و دانش جنسی زوجین نیز لذت و بهبود رابطه‌ی زناشویی و عاطفی بین آنها را در پی دارد. اگر زوجین در زندگی خود شناخت بیشتری نسبت به این بعد مهم رابطه داشته باشند، قادر خواهند بود که شیوه‌های ارتباطی خود را تغییر دهند و آنها را بهبود بخشند. ناآگاهی و کمبود دانش جنسی و کسب اطلاعات نادرست درباره‌ی رابطه‌ی جنسی منجر به افزایش تعارضات و آسیب‌های جنسی زوجین می‌شود. نادری و همکاران (۱۳۸۸) معتقدند که نگرش همسران نسبت به مسائل جنسی تأثیر بسیار مهمی بر سایر رفتارهای آنها دارد. اعتقادات و نگرش‌های ناسازگارانه و منفی در برانگیختگی و رسیدن به مرحله‌ی ارگاسم همسران نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. نگرش سالم نسبت به رابطه‌ی جنسی باعث تجربه‌ی یک رابطه‌ی لذت‌بخش و رسیدن به اوج لذت جنسی می‌شود. نورانی پور، بشارت و یوسفی (۱۳۸۶) که نتیجه‌ی مطالعه‌ی آنها حاکی از ارتباط دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی است، در تبیین یافته‌های خود معتقدند که نگرش، تعیین‌کننده‌ی رفتار است و تغییر در نگرش افراد باعث تغییر در رفتار آنها می‌شود.

یافته‌ی دیگر این پژوهش این بود که بین باورهای ارتباطی و میزان طلاق عاطفی در زنان رابطه وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های سالیوان و شوبیل^۱ (۱۹۹۵) مبنی بر ارتباط بین باورهای ارتباطی غیرمنطقی و عدم رضایت زناشویی و نتایج پژوهش عبدالحمیدی (۱۳۸۵) که بین باورهای غیرمنطقی و عدم رضایت از زندگی زناشویی ارتباط وجود دارد و سلیمانیان (۱۳۷۳) مبنی بر بالاتر بودن ناراضی‌ت زناشویی افراد واجد تفکرات غیرمنطقی همخوانی دارد. این یافته همچنین با نتیجه‌ی پژوهش ادیب‌راد، مهدوی، ادیب‌راد و دهشیری (۱۳۸۴) همسو است. آنها معتقدند که باورهای غیرمنطقی یکی از موانع ارتباط است و به زعم الیس^۲ (۱۹۶۲) حتی ممکن است منجر به نوروژ^۳ شده و اختلال ارتباطی را در پی داشته باشد. باورهای غیرمنطقی به صورت آگاهانه در زوجین وجود دارند و همسران از تأثیرات منفی آنها در افزایش ناسازگاری زناشویی خود آگاهی ندارند. از آنجا که تفکر و باور سالم یکی از مؤلفه‌های مهم ارتباط کارآمد زناشویی است و تأکید درمانگران بر این مسأله که برای کمک به زوجین ناسازگار می‌توان با تکنیک‌های شناختی به شناسایی این باورهای ناکارآمد و همچنین رشد

^۱Sullivan, B., & Shwabel

^۲Ellis

^۳nervous

ارتباط مؤثر زناشویی پرداخت (باکوم^۱، ۱۹۹۸)، لذا با ایجاد آگاهی وسیع تر نسبت به این موضوع برای زوجین در هر قشری از جامعه، می توان رضایت زناشویی را افزایش داد. به عقیده ی بک^۲ (۱۹۷۰) زمانی که باورهای غیرمنطقی ما کاهش یابد و باورهای منطقی جایگزین آن ها شود، رضایت و سازگاری زناشویی نیز افزایش خواهد یافت. تا زمانیکه زوجین آگاهی ندارند که این افکار، غیرمنطقی است و به نوعی به این باورها عادت کرده اند، نقش خود را در ایجاد مسائل و مشکلات زناشویی کم رنگ و نادیده می انگارند.

در مورد محدودیت های این پژوهش می توان به این موارد اشاره کرد که نمونه ی پژوهش را پرستاران زن تشکیل دادند که به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قشر خاصی هستند. بنابراین تعمیم نتایج به جامعه ی بزرگتر باید با احتیاط صورت گیرد. به دلیل تابو بودن مسائل جنسی در جامعه در مرحله ی گردآوری اطلاعات، محقق با مشکلات فراوانی در جهت توجیه آزمودنی ها برای شرکت در پژوهش و محرمانه ماندن اطلاعات مواجه بود. در حوزه ی پیشنهادات پژوهشی لازم به ذکر است که پژوهش های آتی بر روی نمونه ی مردان نیز اجرا گردد. این پژوهش بر روی نمونه های دیگری غیر از پرستاران مانند فرهنگیان نیز اجرا شود. برای به دست آوردن نتایجیکه بتوان زوجین را با هم مقایسه کرد یا اثر بافت خانوادگی متفاوت را کنترل کرد در پژوهش های آتی گروه نمونه به صورت زوج (زن و شوهر) انتخاب شوند. از جمله پیشنهادهای کاربردی نیز می توان گفت که نتایج پژوهش نشان دهنده ی رابطه ی دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی با طلاق عاطفی در زنان است، بنابراین درمانگران و مشاوران خانواده می توانند با تکیه بر یافته های چنین پژوهش هایی کلاس ها و کارگاه های مؤثری جهت افزایش دانش و نگرش جنسی سالم و باورهای ارتباطی منطقی در همسران برگزار نمایند.

منابع

- ادیب راد، نسترن، مهدوی، اسماعیل، ادیب راد، مجتبی، و دهشیری، غلامرضا. (۱۳۸۴). مقایسه باورهای ارتباطی زنان مراجعه کننده به مراکز قضایی و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک شهر تهران. فصلنامه خانواده پژوهی، ۱(۲)، ۸۷-۶۹.
- آقامحمدیان، حمیدرضا، رضاقلی زاده، تکتیم، عوضی، معصومه، پشتیبان، حبیبه. (۱۳۸۲). بررسی رضایتمندی زناشویی و رابطه ی آن با طلاق. اولین همایش خانواده و مشکلات جنسی، تهران. بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۴). ویژگی های روان سنجی مقیاس دانش و نگرش جنسی. گزارش پژوهشی دانشگاه تهران.
- پروین، ستار، داوودی، مریم، و محمدی، فریبرز. (۱۳۹۱). عوامل جامعه شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده های تهرانی. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۱۴(۵۶)، ۱۱۹-۱۵۴.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده. تهران: سروش.
- سلیمانیان، علی اکبر. (۱۳۷۳). بررسی تأثیر تفکرات غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت معلم، تهران.

⁴Baccem

⁵Beck

شهرستانی، ملیحه، دوستکام، محسن، رهباردار، حمید، و مشهدی، علی. (۱۳۹۱). پیش بینی رضایت مندی زناشویی از روی متغیرهای باورهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی در زنان متقاضی طلاق و عادی شهر مشهد. فصلنامه زن و فرهنگ، ۴ (۱۴)، ۴۱-۱۹.

خدایاری فرد، محمد، شهابی، روح الله، و اکبری زردخانه، سعید. (۱۳۸۶). رابطه نگرش مذهبی با رضایت مندی زناشویی در دانشجویان متأهل. فصلنامه خانواده پژوهی، ۳ (۱۰)، ۶۲۰-۶۱۱.

گاتمن، جان. (۱۹۹۴). موفقیت یا شکست در ازدواج (ترجمه ارمغان جزایری). تهران: خجسته.

عبدالمحمدی، کبری (۱۳۸۵). بررسی و مقایسه رابطه باورهای ارتباطی و تعارضات زناشویی در زنان و مردان مراجعه کننده به دادگاه (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

علی اکبری دهکردی، مهناز. (۱۳۸۹). رابطه ی عملکرد جنسی زنان با سازگاری زناشویی. مجله علوم رفتاری، ۴ (۳)، ۲۰۶-۱۱۹.

مظاهری، محمدعلی، پوراعتماد، حمیدرضا. (۱۳۸۰). مقیاس باورهای ارتباطی. چاپ نشده، پژوهشگاه خانواده دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

نادری، فرح، حیدرئی، علیرضا، حسین زاده مالکی، زینب. (۱۳۸۸). رابطه بین دانش و نگرش جنسی، مولفه های عشق و رضایت زناشویی با همسرآزاری در کارکنان متأهل ادارات دولتی شهر اهواز. فصلنامه زن و فرهنگ، ۱ (۱)، ۴۵-۲۸.

نورانی پور، رحمت اله، بشارت، محمدعلی، و یوسفی، اسکندر. (۱۳۸۶). بررسی رابطه دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی در زوجین ساکن در مجتمع پژوهشگران جوان دانشگاه شهید بهشتی. تازه ها و پژوهش های مشاوره، ۶ (۲۴)، ۴۰-۲۷.

یزدانی، عباس، حقیقتیان، منصور، و کشاورز، حمید. (۱۳۹۲). تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی (مطالعه موردی: شهرکرد). فصلنامه راهبرد اجتماعی-فرهنگی، ۲ (۶)، ۱۵۹-۱۸.

یوسفی، اسکندر. (۱۳۸۴). رابطه بین دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی در زوجین ساکن در مجتمع پژوهشگران جوان دانشگاه شهید بهشتی (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

Baccem, P. H. (1998). Empirically supported couple and family intervention for marital distress and adulmenta health. *Journal of counslting and clinical psychology*, 66, 53-88.

Beck, A. T. (1970). Cognitive therapy :Nature and relation to behavior therapy. *Behavior therapy*, 1, 184-200.

-Bushman, w. (1998). The relationship between conflict, love and satisfactional relationship beliefs, problem-solving techniques and negotiating strategies in romantic relationship.phd. hofstra university.

Campbell, G., Skinner, B., & Heiman, J. (2000). The high prevalence of sexual concerns among women seeking routine gynecological care. *journal of Family Practice*, 49(7), 229-232.

- Corsini, R. (2002). Understanding and similarity in marriage. *Journal of Abnormal social psychology*, 52(3), 8-12.
- Eidelson, R. J., & Epstien, N. (1982). Cognitive and relationship of adjustment Development of a measure of dysfunctional relationship belief. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 50, 715-72.
- Ellis, A. (1962). *Reason and emotion in psychotherapy*. New York: Lyle.
- Emmelkamp, P. M. G., Brilman, E., & Kuiper, H. (1986). The treatment of agoraphobia: a comparison of self-instructional training, rational emotive therapy, and exposure in vivo. *Behavioral Modification*, 10, 37-53.
- Musaei, M. (2011). The Relationship between divorce and Economics-Social variables in Iran. *British journal of Arts and social science*, 1(2), 68-76.
- Sullivan, B., & Shwebel, A. (1995). Relationship Beliefs & Expectations of satisfaction in marital relationship. *Implication for Family journal*, 3, 8-298.